

کیمیا

طی روزهای گذشته بهزاد قره‌یاضی یکی از مسئولان کلیدی در پیگیری کاشت و رهاسازی محصولات تراریخته در کشور مدعی آغاز کشت انبوه پنبه تراریخته (دستکاری شده ژنتیک) در کشور از سال آینده شد. قره‌یاضی مدعی شد: بر صورتی که تا اواخر فروردین مجوز تولید محصول را از وزارت جهاد کشاورزی دریافت کنیم تا اواخر اردیبهشت کشت آن آغاز و آبان ماه برداشت خواهد شد. خبرگزاری تسنیم در گزارشی ضمن بررسی تجربه تولید تجاری ۱۰ساله محصول پنبه تراریخته در پاکستان و تبعات این تصمیم، به جریان‌های پشت‌پرده کشت این محصول در ایران و پاکستان توسط دانش‌آموختگان «بنیاد صهیونیستی راکفلر» پرداخته است.

پس از طرح زرمزه‌هایی مبنی بر تلاش برخی مقامات دولتی برای کشت و تولید این محصول در کشور، بسیاری از اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های بیوتکنولوژی، مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی پزشکی کشورمان در مقام منتقدان جدی واردات، کشت و مصرف محصولات دستکاری شده ژنتیکی، به‌دلیل تأثیرات مستقیمی که تولید و مصرف این محصولات با سلامت امروز و فردای مردم کشورمان دارد، وارد میدان نقد و اعلام هشدار نسبت به کشت و تولید این محصول در کشورمان شدند. با این وجود بهزاد قره‌یاضی رئیس امور تحقیقات فناوری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با اعلام خبر «آغاز کشت انبوه پنبه تراریخته در کشور از سال آینده» مدعی شد: پنبه غیر تراریخته سه تا ۱۴ بار سهمایشی می‌شود و میزان تولید آن دو تن در هکتار است اما میزان پنبه تراریخته پنج تن در هکتار است و در تولید آن از هیچ سمی هم استفاده نمی‌شود. قره‌یاضی بی‌توجه به تمام دلایل و استنادات جهانی درباره عوارض و مخاطرات متعدد کشت و مصرف محصولات تراریخته بر روی انسان، حیوانات و محیط زیست مدعی شده که «اگر پنبه تراریخته به صورت انبوه تولید شود، ایران در مدت کوتاهی به صادرکننده انبوه این محصول تبدیل می‌شود.» در حالی که تا به امروز منازعات و بحث‌های علمی متعددی در کشورهای مختلف دنیا از جمله در کشورهای اروپایی درباره سلامت محصولات تراریخته وجود داشته و عدم اطمینان از سلامت این محصولات و بروز عوارض متعدد در انسان‌ها و دام‌ها در بی مصرف محصولات دستکاری‌شده ژنتیکی، باعث شده که کشت این محصول در بسیاری از کشورهای اروپایی ممنوع شود و در کشورهایی که اقدام به واردات این محصولات می‌کنند، قوانین لیبلینگ (برچسب‌گذاری) به صورت سختگیرانه به اجرا گذاشته شود، قره‌یاضی گفت: پنبه تراریخته هم‌اکنون به صورت آزمایشی در زمین‌های محدودی از کشور کشت شده است.

دنیا به سمت حذف کامل کشت و مصرف محصولات تراریخته و تلاش این کشورها برای توسعه کشت محصولات سالم و ارگانیک»قره‌یاضی اظهار داشت: «مرغ، گوشت و برنج ارگانیک وجود خارجی ندارد و مردم باور نکنند و محصولاتی با این تبلیغات نخردند اما گوجه فرنگی و فلفل ارگانیک داریم که باید قبل از مصرف خوب شسته شوند.»

همچنین وی تأکید کرده که «محصولات تراریخته با برچسب GOM در بازار عرضه می‌شود و مردم هنگام خرید اطمینان داشته باشند که این محصولات از وزارت بهداشت و جهاد کشاورزی مجوز گرفته‌اند و سالم هستند.»

پنبه از جمله گیاهان استراتژیک است که گام به گام در انحصار کیمیایی‌های بزرگ صهیونیستی قرار گرفته و این کیمیاچی‌ها در صد هشتاد تا پنبه تراریخته(دستکاری‌شده ژنتیک) را به تنها گونه انحصاری پنبه جهان تبدیل کنند. اسناد نشان می‌دهد کشت پنبه تراریخته در ایران و پاکستان حاصل برنامه مشترکی است که توسط همکاری و دانش‌آموختگان «بنیاد راکفلر» در این دو کشور پیگیری می‌شود. این جریان نفوذ زیادی بر دولت پیدا کرده است.

در حال حاضر سطح زیر کشت پنبه در ایران بین ۹۰ تا ۹۰ هزار هکتار است. این میزان تقریباً نیمی از نیاز کشور را تأمین می‌کند. مشکل اصلی و کاهش‌دهنده عملکرد مزارع پنبه در کشور ما نیاز فراوان این گیاه به آب و کمبود منابع آب در ایران است؛مشکلی که با خشکسالی‌های اخیر کشور بیشتر هم شده است.

در بررسی عوامل کاهش عملکرد، از آفت‌ها نیز نمی‌توان گذشت. یکی از آفات پنبه در ایران

«کرم قوزه» است. این کرم درصورت عدم هرگونه محافظتی، سبب کاهش حداکثر ۲۵ درصدی عملکرد مزارع پنبه خواهد بود. البته با تلاش‌های شبانه‌روزی متخصصان کشور در چند سال گذشته و استفاده از روش‌های تلقیحی – مانند استفاده از زنبور «تریگوگراما» و سایر روش‌های مبارزه بیولوژیک- هم‌اکنون تا حد چشمگیری از خسارت این کرم قوزه به مزارع پنبه جلوگیری شده است.

کشت گونه‌های دستکاری‌شده ژنتیکی- که به کرم قوزه پنبه مقاوم می‌شوند- در شرایط خاص بین ۱۵ تا ۲۵ درصد به رشد تولید کمک می‌کند، ضمن اینکه باید به این نکته توجه داشت که محصول پنبه تراریخته از کیفیت بسیار نازل برخوردار است و بازپرسندی اندکی دارد؛ کارخانجات نساجی همواره ترجیح می‌دهند از پنبه غیرتراریخته که از کیفیت به مراتب بهتر از پنبه تراریخته برخوردار است استفاده کنند، ضمن اینکه سلامت این نوع پنبه در استفاده آنها در سطح پوست نیز هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

بخش اول: برای کشت پنبه تراریخته هیچ مجوزی صادر نشده، اما…!
مسئولان وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت و سازمان حفاظت محیط زیست مکرراً اعلام کرده‌اند که تاکنون هیچ مجوزی برای تجاری‌سازی محصولات تراریخته صادر نشده است.

در زمان ارائه لایحه برنامه ششم، دولت برای «تجاری‌سازی برنج و پنبه تراریخته» بهمنزاج حداقل یک میلیون هکتار، عزم خود را جزم کرده بود. این لایحه به‌دلیل اشکالات متعدد شکلی و محتوایی رد شد تا برای اولین بار طی ۷۰سال برنامه‌ریزی توسعه

بخش دوم: پنبه تراریخته در پاکستان یک تجربه تلخ

پاکستان، چهارمین تولیدکننده پنبه جهان است. ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۵۵ درصد در درآمدهای ارزی این کشور به کشت و فراوری این محصول اختصاص دارد. در پاکستان «صنعت نساجی» مهمترین صنعت به‌شمار می‌رود و به‌دلیل وجود ۴۰۰کارخانه نساجی- که شدیداً به پنبه وابسته است- کشت پنبه به مهمترین محصول کشاورزی این کشور تبدیل شده است. همچنین پاکستان بزرگترین صادرکننده نخ پنبه جهان به شمار می‌آید.

از سوی دیگر عملکرد تولید پنبه در پاکستان بسیار پایین- به‌طور متوسط ۵۷۰ کیلوگرم در هکتار- است. این میزان در مقایسه با کشورهای چین، آمریکا و هند عملکرد نامطلوبی است و بر اثر آفت‌زدگی فراوان پنبه رخ می‌دهد. در این میان ۲۰ تا ۳۰درصد کاهش عملکرد پنبه در این کشور مربوط به خسارت یک نوع آفت به‌نام «پالپولکداران» است.

در سال‌های ابتدایی هزاره سوم، سازمان تحقیقات کشاورزی پاکستان- با وجود راه‌حلهای مختلف برای جلوگیری از خسارت این آفات- تأکید کرد استفاده همگانی و تجاری از «بذرهای پنبه دستکاری‌شده ژنتیکی» به نوازه موفقیت برای مقابله با این مشکل است. بر این اساس سیاست‌های تجاری‌سازی پنبه دستکاری‌شده ژنتیکی (تراریخته) از سال ۲۰۰۵ در پاکستان گسترش پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که طی پنج سال ۷۰ درصد زمین‌های زیر کشت پنبه در پاکستان، به تولید پنبه تراریخته اختصاص یافت. برنامه‌ریزی و چشم‌انداز برای افزایش تولید پنبه در



پاکستان، طی یک بازه ۱۰ساله(۲۰۱۵- ۲۰۰۵) افزایش از سالانه ۱۵ میلیون عدل به ۲۰ میلیون عدل بود.

فرجام تلخ انتخاب پنبه تراریخته
پس از گذشت یک دهه از تولید تجاری پنبه تراریخته در پاکستان، گزارش‌های منتشر شده از شکست قطعی طرح کشت پنبه تراریخته در این کشور حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها آفای مورد انتظار تأمین نشد، بلکه میزان تولید پنبه طی این مدت- با چهار میلیون عدل کاهش نسبت به شروع طرح- به ۱۱ میلیون عدل رسید. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد علاوه بر تأمین نشدن اهداف پیش‌بینی شده، استفاده از پنبه تراریخته در درآمدت سبب بروز معضلاتی نیز شده است. برای مثال دانشمندان پاکستانی اعلام کردند در سال ۲۰۱۴، در پنج منطقه استان پنجاب، بیش از ۸۸درصد مزارع پنبه به آفت «رنگ پنبه» و بیش از ۷۰درصد مزارع به آفت «گرخوار» آلوده است.

در کشور، یک برنامه توسط مجلس رد شود. درمورد «تجاری‌سازی برنج» و مضرات قابل توجه آن بر سلامتی و محیط زیست گزارش‌های متعددی در رسانه‌ها منتشر شده،اما درمورد اشکالات «تجاری‌سازی پنبه تراریخته» حساسیت کمتری وجود داشته و وضعیت آن در ایران و همچنین کشورهای مشابه کمتر بررسی شده است. در ادامه به بررسی شرایط پنبه در ایران و همچنین تجربه دهه گذشته کشور پاکستان در کشت پنبه تراریخته خواهیم پرداخت. با توجه به برنامه‌ریزی مسئولان کشاورزی ایران در تولید انبوه و تجاری این محصول، لازم است ضمن بررسی دلایل شکست محصولات تراریخته در کشورها دیگر، از شنازدگی در تولید محصولات دستکاری‌شده ژنتیکی پرهیز شود.

اجتماعی

فرصت لازم برای افزایش جمعیت شکارچی طبیعی آن را ندارد و احتمال شیوع گسترده و خسارت جبران‌ناپذیر افزایش می‌یابد.خسارات وارد شده به مزارع پنبه پاکستان به‌گونه‌ای بوده که در حال حاضر دولت، کشاورزان را از کشت ۱۹ گونه پنبه دستکاری‌شده ژنتیکی (تراریخته) در پنجاب منع کرده است. کارشناسان پاکستانی معتقدند ۱۰ سال پیش به‌جای تولید تجاری عجلانه پنبه تراریخته، باید دست‌های افزایش‌یافته کشاورزان و ترویج روش‌های کشاورزی طبیعی اقدامات مؤثری صورت می‌گرفت.

پشت‌پرده یک نسخه شکست‌خورده از پاکستان تا مکران

قره‌یاضی از سالال گذشته با حکم وزیر جهاد کشاورزی، عضو «کمیته صدور مجوز برای رهاسازی محصولات تراریخته»نیز هست. همچنین وی با حکم محبدقار نوبخت، مسئول تدوین بودجه پژوهشی کل کشور در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است و بودجه مراکز مختلف پژوهشی کشور به تصمیمات جریان منتسب به او وابسته است، ضمن اینکه بخش دانش و فناوری برنامه ششم را او تدوین کرده است.

فعالیت‌های تجاری

قره‌یاضی از سال‌ها پیش تاکنون به فعالیت‌های گسترده تجاری نیز مشغول است. حتی یکی از «شرکت‌های تجاری قره‌یاضی و شرکا» با «ادرس

محیط زیست) که نسبت به «تجاری‌سازی بدون مجوز و بدون ارزیابی خطر محصولات تراریخته» متروند از سوی رئیس‌جمهور محل سوال است. ۱. اشکال بزرگ تری، امر بردن از «انقلاب سبز» به‌عنوان یک دستاورد بزرگ است. «انقلاب سبز» یک پروژه بین‌المللی کشاورزی بود که رأساً توسط راکفلر و مناطق متعددی از دنیا پیاده‌سازی شد. کشورهای آفریقای، مکزیک، هند، پاکستان، ژاپن و شوروی سابق از قربانیان اصلی این سیاست هستند. حتی «نورمن بورلاگ» پدر انقلاب سبز نیز یک شخصیت با بنیاد راکفلر به حمایت مالی از یک دانشنامه ساده ختم نمی‌شود؛ قره‌یاضی را می‌توان «ناش‌آموخته راکفلر در زمینه دستکاری ژنتیکی» دانست. وی به قرن و روشن شدن اهداف، این انقلاب در سراسر دنیا با مقاومت‌های گسترده روبه‌رو شد و در نتیجه این بنیاد از دهه اول هزاره سوم این قبیل فعالیت‌ها را به بنیادها و نهادهای دیگر- مانند بنیاد بیل و ملیندا کیسِن- واگذار کرده است.

قانونی پژوهشگاه ژنتیک!« !به فعالیت‌های تجاری پرداخته است. تعدادی از شرکت‌هایی که نام قره‌یاضی در بین اعضای آنها ثبت شده از این قرن است. شرکت زیست پژوهان ناوو پارس.

۱- شرکت زیست‌فناوران پردیس ۲- شرکت زیست‌سانانه غرب آسیا ۳- شرکت زیست‌گوهر نامدار پرواک ۴- شرکت زیست‌فناور گستران رازی ۵- شرکت زیست‌پژوهان ناوو پارس.

آیا موضوع فقط یک دانشنامه است؟

اما موضوع ارتباط قره‌یاضی و جریان مورد نظر با بنیاد راکفلر به حمایت مالی از یک دانشنامه ساده ختم نمی‌شود؛ قره‌یاضی را می‌توان «ناش‌آموخته راکفلر در زمینه دستکاری ژنتیکی» دانست. وی به قرن و روشن شدن اهداف، این انقلاب در سراسر دنیا با مقاومت‌های گسترده روبه‌رو شد و در نتیجه این بنیاد از دهه اول هزاره سوم این قبیل فعالیت‌ها را به بنیادها و نهادهای دیگر- مانند بنیاد بیل و ملیندا کیسِن- واگذار کرده است.



یوسف ظفر و بهزاد قره یاضی

تجلیل دکتر روحانی از این جریان جای بسی تعجب است. گرچه به نظر می‌رسد این پیام رئیس‌جمهور محترم به یک همایش خاص توسعه یکی از مولفیان اصلی این همایش ویا سوء استفاده از عدم اشراف تخصصی رئیس‌جمهور محترم به جریانات پشت‌پرده تراریخته تدوین شده است.

اصطلاح «فناوری هراس» از کجا آمده است؟

با کمی جست‌وجو در فضای مجازی با کلیدواژه‌های «بهزاد قره‌یاضی»+ «فناوری‌هراس»، «دانش‌سنجی» یا «فناوری‌سنجی» صدها مورد یافت می‌شود که این مقام بلندپایه دولتی (یکی از دو نفر اصلی همایش) دانشمندان «مخالف تجاری‌سازی تراریخته‌ها» را با عنوان‌های مذکور خطاب کرده است. اما نکته جالب توجه، کلیدواژه‌های به کار رفته در پیام رئیس‌جمهور است که نشان می‌دهد به نظر این پیام به‌دست این «مقام بلندپایه دولتی دانش‌آموخته راکفلر» تنظیم شده است.

این اقدامات مسبق به سابقه است. پیش از این نیز بهزاد قره‌یاضی در چندین نوبت- بدون اعتنا به قوانین داخلی کشور- تولید تجاری محصولات تراریخته را نوید داده بود.

بخش چهارم: جریان‌شناسی ارتباط پنبه در ایران و پاکستان
برهبر جریان تراریخته‌ها در ایران بی‌شک «بهزاد قره‌یاضی» است. وی حدود سه دهه قبل با حمایت عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی وقت، برای آموزش بیوتکنولوژی به «فیلیپین» و به مؤسسه تحقیقات و بهداشت نامدهندمنی می‌داند که با چشم‌مورد دانشنامه دکتری خود را آشکارا با تأمین مالی این بنیاد تدوین کرد.

صفحه ۶

و تبدیل شدن آن به دانشگاه فیلیپین در لس‌پائوس بحث کردند.»

این تاریخچه در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۳ به حواشی بازدید «بررسی‌ترین فرد خانواده راکفلر» از این مؤسسه می‌پردازد. در این تاریخچه می‌نویسم: «دوید راکفلر جونیور، ملوان آمریکایی، ختیر، و شرکت‌کننده فعال مسائل غیرانتفاعی و زیست‌محیطی، از مؤسسه بازدید کرد. او عضو برجسته نسل چهارم راکفلرها موسوم به «نموزاده»‌هاست. ابری به عنوان یکی از موفقیت‌های بزرگ بنیاد راکفلر درنظر گرفته می‌شود.»

کیمیته‌ای بدون حضور یک مخالف

محمدرضا اسکندری، وزیر جهاد کشاورزی در دولت نهم این جریان را بخوبی می‌شناسد. او در زمینه روند صدور مجوز و ارتباط محققان دولتی با شرکت‌های خصوصی، گفت: «در کمال تعجب افرادی که قصد تولید و انبوه‌سازی محصولات تراریخته را دارند، با بودجه پژوهشی شرکت دانش‌بنیان تأسیس کرده‌اند و خودشان نیز عضو کمیته نظارت بر تراریخته و مجوز واردات محصولات تراریخته‌اند،اما هیچ فردی از مخالفان تراریخته را نمی‌بینیم که در کمیته حضور داشته باشد.»

وزیر اسبق جهاد در زمینه ارتباط راکفلر با تولید تراریخته‌ها تصریح کرد: «بزرگترین کارتل تولید محصولات تراریخته دنیا (راکفلر) یک کارتل اقتصادی صهیونیستی است.»

بخش پنجم: پشت‌پرده پنبه تراریخته در پاکستان و ایران

پیگیری طرح شکست خورده پنبه تراریخته در پاکستان را فردی به‌نام «یوسف ظفر» به‌عهده دارد. شرایط سیاسی و نفوذ یوسف ظفر در ساختارهای دولتی کشور پاکستان، شباهت‌های کم‌نظیری با شرایط همزاد ایرانی‌اش «بهزاد قره‌یاضی» دارد. یوسف ظفر نیز پس از دانش‌آموختگی و همکاری گسترده با راکفلر سلسله اقدامات قدرت را تا مسئولیت

او همچنین در مراکز تحقیقاتی زیست‌فناوری آمریکا مشغول به فعالیت است و حتی در همین زمینه از راکفلر و یونسکو جایزه مشترکی را دریافت کرده است.

یوسف ظفر بی‌تردید یکی از نفرت اصلی است که سرگذشت تأسفبار پنبه تراریخته در پاکستان را رقم زده است. در پاکستان مشهور است که ۹۰ درصد مقالات مرتبط با افسات پنبه تراریخته دنیا حاصل مطالعات او و تیم مرتبط با اوست!

۲ نکته مهم

۱.تبعات بلندمدت محصولات تراریخته بر سلامتی مردم و محیط زیست هنوز در هاله‌ای از ابهام است؛ ضمن اینکه واردات خاموش و بی‌ضابطه این محصولات (خاصه روغن‌های مایع تراریخته) نیز سال‌هاست بر سرفه‌های مردم وارد شده و سلامتشان را تهدید می‌کند. چندی پیش اعلام شد که مبادی گمرکی حتی از آزمایشگاه‌های تشخیص تراریختگی بی‌پهراند، گرچه ممکن است سال‌ها بعد این محصولات حتی مفید هم تشخیص داده شوند، اما آیا ورود بی‌ضابطه، بدون کنترل و بدون ارزیابی خطر این محصولات با شرایط فعلی عqlاتی است؟

۲. در سطو قوق، از جریانی رونمایی شد که ریشه در آن تصمیم مرزها دارد، جریانی که با استقرار در مراکز صهیونیسم‌ساز، جزو نفوذ خود را حتی در برنامه‌های بالادستی و افراد رده‌بالای دولتی گسترده است. این جریان در جایی که بتواند حتی اسناد بالادستی را به نفع مطامع تجاری و امنیتی خود و تغییر می‌دهد و

در صورت عدم امکان، تولید تجاری و آلوده‌سازی مزارع کشور را برای محصولاتی که سلامت آنها هنوز مشخص نیست در «دستور کار قرار دهد است. این جریان فشار زیادی را بر دانشمندان تراز اول عرصه بیوتکنولوژی و رسانه‌های منتقد وارد می‌کند. این جریان همچنین با صرف هزینه‌های هنگفت در عرصه رسانه‌های کشور و در همایش‌ها و نشست‌های سیاسی حضور دارد.

نکته‌های خاص
پیش از این رئیس سازمان پادفند غیرعامل با هشدار نسبت به کشت و مصرف محصولات تراریخته در کشور، گفته بود: «همان حلات بیولوژیک به کشتور از طریق محصولات تراریخته وجود دارد؛ مطالعات نشان می‌دهد که بخشی از می‌توانند در کشور آلوده‌سازی شوند. اما متعده - نمی‌خواهم هم میل غربی‌ها را به حساب بیاورم - عمداً کلمه پیشرفت را به کار می‌برم- این پیشرفت‌های ایرانی می‌تواند به عنوان یک دستاورد برای مردم محترم بشود. شتاب دریافت‌های علمی از عموم قبیل است.»

سند ۲۰۲۰ بهره‌گیری راکفلر در این مصوبه آمده است: «کارگروه ملی موظف است گزارش پیشرفت کار و نحوه همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط را سالانه به هیئت وزیران و گزارش نهای را به کمیسیون یونسکو برای ارسال به مرجع بین‌المللی ارائه کند.»! طبق چه استدلالی مسئولین می‌توانند توجیه کنند متعهد به اجرای سندی شوند که شعارش «درگرو ساختن جهان ما» است یعنی ما بعد از گذشت چهار دهه از عمر با برکت انقلاب اسلامی باید کمترین تا جهان را مطلق قیل غربی‌ها دگرگون سازند؟! و این موضع یعنی پذیرش چشم تصویب آن در سطح بین‌المللی است و صرفاً براساس معیارها و شاخص‌های بین‌المللی تنظیم می‌شود چرا باید تعهداتی را در سطح ملی برای کشورمان ایجاد کند و اساس این تعهداتی که همواره در پشت درهای بسته داده می‌شود کدام است؟! سابقه ذهنی مردم ما هنوز از بجام چون آفتاب تابان!!! آنچنان مکرر است که هیچ اعتماد و اطمینانی به تعهدات بین‌المللی را در استای منافع کشور نمی‌بیند.

جالب است بدانید که هیئت وزیران سریعاً و در مصوبه‌ای که در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۵ تصویب می‌رسد «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰» را با مسئولیت وزارت آموزش و پرورش به منظور اجرای شدن هر چه کامل‌تر سند ۲۰۳۰ تشکیل می‌دهد و در این مصوبه کلیه دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرائی تصمیمات کارگروه می‌کند، بر سرسپردن به موضوعی بین‌المللی آن‌قدر برای هیئت وزیران کشور اهمیت پیدا می‌کند که از کارگروه مذکور می‌خواهد از تمامی ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی برای اجرایی شدن در پایان، سسخان رهبر انقلاب را به عنوان بهترین فصل‌الخطاب و الگوی عملی برای مسئولان و متذکر می‌شویم. «بنده این توسعه غربی را به هیچ‌وجه قبول ندارم، پایه‌های غلط غلط مبنای‌اش غلط است، بسیاری از فروع‌اش غلط است، اما متعده - نمی‌خواهم هم کلمه توسعه می‌برم- این پیشرفت‌های ایرانی می‌تواند به عنوان یک دستاورد برای مردم محترم بشود. شتاب دریافت‌های علمی از عموم قبیل است.»

سند ۲۰۲۰ بهره‌گیری راکفلر در این مصوبه آمده است: «کارگروه ملی موظف است گزارش پیشرفت کار و نحوه همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط را سالانه به هیئت وزیران و گزارش نهای را به کمیسیون یونسکو برای ارسال به مرجع بین‌المللی ارائه کند.»! طبق چه استدلالی مسئولین می‌توانند توجیه کنند متعهد به اجرای سندی شوند که شعارش «درگرو ساختن جهان ما» است یعنی ما بعد از گذشت چهار دهه از عمر با برکت انقلاب اسلامی باید کمترین تا جهان را مطلق قیل غربی‌ها دگرگون سازند؟! و این موضع یعنی پذیرش چشم تصویب آن در سطح بین‌المللی است و صرفاً براساس معیارها و شاخص‌های بین‌المللی تنظیم می‌شود چرا باید تعهداتی را در سطح ملی برای کشورمان ایجاد کند و اساس این تعهداتی که همواره در پشت درهای بسته داده می‌شود کدام است؟! سابقه ذهنی مردم ما هنوز از بجام چون آفتاب تابان!!! آنچنان مکرر است که هیچ اعتماد و اطمینانی به تعهدات بین‌المللی را در استای منافع کشور نمی‌بیند.

جالب است بدانید که هیئت وزیران سریعاً

و در مصوبه‌ای که در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۵ تصویب می‌رسد «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰» را با مسئولیت وزارت آموزش و پرورش به منظور اجرای شدن هر چه کامل‌تر سند ۲۰۳۰ تشکیل می‌دهد و در این مصوبه کلیه دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرائی تصمیمات کارگروه می‌کند، بر سرسپردن به موضوعی بین‌المللی آن‌قدر برای هیئت وزیران کشور اهمیت پیدا می‌کند که از کارگروه مذکور می‌خواهد از تمامی ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی برای اجرایی شدن

در اروپا و تاریخ صنعتی شدن در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که در مقاطعی از زمان دانشمندان و پژوهشگرانی با‌از خود گذشتگی و شجاعت توانست‌اند ضمن مقابله با فناوری هراسی، کشور خود و بلکه جهانیان را از مواهب دانش و تخصص و یافته‌های علمی خود بپهرمند کنند. در عرصه‌های زیستی هم همین‌گونه بوده است. انقلاب سبز نیز مروهن تلاش جمعی دانشمندان بسیاری بوده است.»

در همین پاراگراف کوتاه دو اشکال جدی وجود

دارد:

۱. به کار بردن واژه «فناوری‌هراس» برای دانشمندان و نهادهای ناظر (از جمله سازمان حفاظت

بخش سوم: گزارش یک همایش مشکوک؛ تجاری‌سازی پنبه تراریخته در ایران

معاون اداره کل پنبه، دانه‌های روغنی و نباتات صنعتی وزارت جهادکشاورزی از کاهش ۱۷درصدی سطح زیر کشت پنبه در سال جاری خبر داده است. با توجه به وضعیت نامطلوب تولید پنبه در ایران، این نگرانی وجود دارد که سیاستگذاران کشورمان- برای افزایش تولید این محصول استراتژیک- در دام استفاده از تراریخته‌ها بیفتند، برای مثال علی‌رغم تأکید تمامی نهادهای نظارتی- شامل وزارت بهداشت، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست- روزنامه «تعامل» در تاریخ ۲۵ اردیبهشت از رونمایی تولید تجاری محصول پنبه در دوترین منطقه کشور از پایتخت (سواحل مکران) در یک همایش خبر داد.

در نتایج مصوبات این همایش که در تاریخ ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت سال جاری- با نادیده گرفتن عدم خلاف قانون و مشکوک بسیاری به چشم می‌خورد، این همایش که با هدایت و رهبری «بهزاد قره‌یاضی» دانش‌آموخته راکفلر برگزار شد در سایت وزارت علوم هم بازتاب داشت.

دو اشکال بزرگ در برگزاری این همایش به چشم می‌خورد:

الف) مهم ترین مشکل نتایج حاصل از این همایش آشکارا با قوانین کشور»- از جمله قانون یعنی زیستی جمهوری اسلامی ایران- است. این قانون تأکید می‌کند که برای هر نوع رهاسازی باید ملاحظات کشاورزی، سلامتی و زیست محیطی توسط সদای متشکل از وزارتخانه‌های بهداشت، جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست و با ریاست معاون اول رئیس‌جمهور سنجیده شود. حال چرا با

محمدرضا اسکندری، وزیر اسبق جهاد کشاورزی: «در کمال تعجب افرادی که قصد تولید و انبوه‌سازی محصولات تراریخته را دارند، با بودجه پژوهشی کشور، شرکت دانش‌بنیان تأسیس کرده‌اند و خودشان نیز عضو کمیته نظارت بسر تراریخته و مجوز واردات محصولات تراریخته‌اند. اما هیچ فردی از مخالفان تراریخته را نمی‌بینیم که در کمیته صدور مجوز واردات حضور داشته باشد.»

با کمی جست‌وجو در فضای مجازی با کلیدواژه‌های «بهزاد قره‌یاضی»+ «فناوری‌هراس»، «دانش‌سنجی» یا «فناوری‌سنجی» صدها مورد یافت می‌شود که این مقام بلندپایه دولتی (یکی از دو نفر اصلی همایش) دانشمندان «مخالف تجاری‌سازی تراریخته‌ها» را با عنوان‌های مذکور خطاب کرده است. اما نکته جالب توجه، کلیدواژه‌های به کار رفته در پیام رئیس‌جمهور است که نشان می‌دهد به نظر این پیام به‌دست این «مقام بلندپایه دولتی دانش‌آموخته راکفلر» تنظیم شده است.

این اقدامات مسبق به سابقه است. پیش از این نیز بهزاد قره‌یاضی در چندین نوبت- بدون اعتنا به قوانین داخلی کشور- تولید تجاری محصولات تراریخته را نوید داده بود.

بخش چهارم: جریان‌شناسی ارتباط پنبه در ایران و پاکستان
برهبر جریان تراریخته‌ها در ایران بی‌شک «بهزاد قره‌یاضی» است. وی حدود سه دهه قبل با حمایت عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی وقت، برای آموزش بیوتکنولوژی به «فیلیپین» و به مؤسسه تحقیقات و بهداشت نامدهندمنی می‌داند که با چشم‌مورد دانشنامه دکتری خود را آشکارا با تأمین مالی این بنیاد تدوین کرد.

مانند: صلح، حقوق بشر و برابری جنسیتی نهادینه شوند.»
سخن گفتن درباره جزئیات این سند بسیار مفصل و حاوی نکات دقیق و تامل‌برانگیزی است که در این مجال نمی‌گنجد، اما همین مقدار اندک نیز به قدری گویا و واضح است که برای عادی‌ترین افراد نیز جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد تنظیم شود!

رئیس اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد نیز در سخنرانی‌ای گویند: «باید تضمین نماییم نوجوانی که در آینده است، دولت‌ها موظفند تا اهداف و کاری کنیم که در سایه آموزش ۲۰۳۰ اثرات‌ش

Education 2030

✳️ سمیرا خازنده

از برکات انقلاب اسلامی ایران توجه به موضوع آموزش و گسترش آن در تمام سطوح بوده و هست. در چند سال اخیر نیز تدوین سندهای ملی از جمله «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند جامع علمی کشور» و «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» به خوبی شاخص‌های کمی و کیفی را که با فرهنگ و اعتقادات کشور ما همخوانی دارد تدوین کرده و برای اجرایی شدن به دستگاه مسئول و ذی‌ربط محول نموده است. متأسفانه اسناد گفته شده در ساختارهای بوروکراسی و غیرضروری کشور دیرزمانی است که خاک بی‌توجهی می‌خورند و متولیان امر آستین همت را چنان‌که باید برای اجرایی شدن بالا نمی‌زنند؛ در این بین خبری به گوش می‌رسد که مسئولین کشور به جای اسناد بالادستی آموزشی کشور، اهتمام خود را صرف عمل و اجرایی‌های سند بین‌المللی دیگری نموده‌اند که نه تنها با فرهنگ و اعتقادات کشور ما هیچ‌سختی ندارد که با اسناد بالادستی و اهداف کشور در تقاضی عمیق و آشکار است.

«سند جهانی آموزش ۲۰۳۰»

ایران پس تعهداتی را در قبال پذیرش این برنامه بر عهده گرفته است؛ اما ایامد و روزآوری مختلف و احیاناً پنهانی این برنامه بر سزوالی مرتبط با آن روشن و آشکار شده است؟! این سؤال مطرح است که چه تعهداتی را جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است و آنها نسبت به ما چه تعهداتی دارند؟! توافق کجای نقشه جامع علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش و اسناد بالادستی نظام قرار دارد؟!